کند و کاو

سرودن از دریچه دل‌های روشن

موسی عصمتی و سمانه مصدق از شاعران نابینا و مسائلشان می‌گویند

غزاله حسین‌پور| رودکی، هومر، جان میلتون و... از بزرگ‌ترین شاعران ایران و جهان هستند و شاید کمتر کسی به این قضیه دقت کرده باشد که آن‌ها به رغم آثار برجسته‌ای که به ادبیات و ادب‌دوستان هدیه کرده‌اند، شاعرانی نابینا بوده‌اند.

موسی عصمتی و سمانه مصدق نیز تفاوتی میان شاعرانی چون خود و شاعران بینا قائل نیستند. آن‌ها همچون دیگر هم‌صنفان ادبی خود شعر می‌گویند و اتفاقا در این زمینه موفق هم بوده‌اند. در گزارش پیش‌رو دیدگاه‌های این ۲ شاعر روشندل خراسانی‌تبار و ساکن مشهد را درباره شعر نابینایان و وضعیت مشهد از این نظر و... پرسیده‌ایم.

شاعر نابینا باید از دیگر حواسش بیشتر استفاده کند

«به من از راه نگویید خودم می‌بینم/ از شب و ماه نگویید خودم می‌بینم» این بیتی از سروده‌های موسی عصمتی است، متولد اولین روز سال ۱۳۵۳ در سرخس خراسان که در دوازده‌سالگی بینایی‌اش را از دست می‌دهد. این اتفاق پای او را به مدرسه‌ای شبانه‌روزی در پایتخت می‌کشاند. او درمی‌یابد که توان نوشتن شعر و داستان دارد و به این توانایی جامه عمل می‌پوشاند. گاه نوشته‌هایش را به دبیران ادبیاتش نشان می‌دهد. سال سوم راهنمایی در جشنواره دانش‌آموزی منطقه ۵ تهران شرکت می‌کند و رتبه اول شعر و داستان را به دست می‌آورد و به مرحله کشوری راه می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود شعر را جدی‌تر پیگیری کند. او درباره ادامه مسیر ادبی‌اش می‌گوید: در مدرسه نابینایان شهید محبی تهران، مرکزی به نام هنرکده ایجاد شده بود که کارش استعدادیابی هنری بچه‌ها با سرپرستی خانمی به نام نیک‌پور بود. استعداد ادبی من در آنجا تشویق و تقویت شد. بنابراین ادبیات و شعر از زمان دانش‌آموزی در من استوار و جدی شد. البته بعد شعر را از داستان بیشتر جدی گرفتم. سال سوم دبیرستان بودم که به مشهد آمدم. در اینجا ارتباط با حوزه هنری و استاد محمدکاظم کاظمی باعث شد زمینه شعری در من باز هم تقویت شود.

این دل‌بستگی به ادبیات و استعداد در این زمینه، پای عصمتی را در دانشگاه به رشته زبان و ادبیات فارسی می‌کشاند تا در این رشته مدرک کارشناسی ارشد بگیرد.

صحبت به محتوا و مضمون آثار می‌رسد. او می‌گوید: تقریبا به همه موضوعات می‌پردازم، هرچند بیشتر به موضوعات اجتماعی و مسائل روز توجه می‌کنم. کوشیده‌ام از مسائل مهم جامعه غافل نمانم اما سعیم بر این هم بوده است که تجربیات شخصی‌ام صرفا بیان یک روایت از نابینایی نباشد و این تجربیات را به صورتی چندجانبه‌نگرانه به جامعه مخاطبان ارائه دهم.

یکی از پرسش‌هایی که در آشنایی با شاعران روشندل ممکن است برای مخاطب پیش بیاید این است که این شاعران چه تمایزی از دیگران دارند. عصمتی معتقد است تفاوت خاصی میان شاعران نابینا و دیگر شاعران وجود ندارد، مگر اینکه شاعر نابینا بخواهد از لحاظ موضوعی مسیری را طی کند که دیگران نرفته باشند. او تأکید می‌کند به عنوان یک نابینا که سال‌هاست در مشهد سکونت دارد، پابه‌پای شاعران دیگر فعالیت کرده است. او بیان می‌کند: انجمن خاصی هم که شاعران نابینا را از دیگران تفکیک کند وجود ندارد. البته تعداد این شاعران نیز زیاد نیست که اگر هم بود، لزومی بر انجمن جداگانه وجود نداشت. نابینایان جزئی از جامعه هستند و نباید جدا از دیگران باشند.

اما شکل‌گیری تصاویر و صور خیال در ذهن و شعر شاعران نابینا چگونه است؟ عصمتی می‌گوید: اگر شاعری تجربه بینایی داشته باشد، با بهره‌گیری از این تجربه، صور خیال و تشبیهات را در شعرش به کار می‌گیرد. اما اگر به طور مادرزاد نابینا باشد و تشبیهات و توصیفاتی مشابه دیگران در سروده‌هایش ارائه کند، قطعا بر اساس شنیده‌ها شکل گرفته است. معتقدم زمانی یک شعر می‌تواند صادقانه و ملموس باشد که شاعر تجربیات شخصی خود را مطرح کند. به همین علت، از شاعر نابینا انتظار دارم بیشتر از حس شنوایی، بویایی، لامسه و چشایی در اشعارش استفاده کند. برای نمونه، در شعر ماندگار «بوی جوی مولیان»، رودکی [که شاعری نابینا بوده است] از تجربه شخصی سخن گفته و این امر شعر او را صمیمی‌تر کرده است. او در همین شعر از حس لامسه هم سخن می‌راند. شاید در هیچ‌جای دیگر شبیه به بیت «ریگ آموی و درشتی راه او/ زیر پایم پرنیان آید همی» را ندیده باشیم.

شاعر کتاب «بی‌چشمداشت» اعتقاد دارد زمانی کار موفق خواهد بود که در کنار تجربیات علمی و اطلاعات فنی، تجربیات شخصی و بومی‌گرایی به شعر وارد شود تا کاری متفاوت شکل گیرد. در غیر این صورت، اگر شاعر نابینا بخواهد راه دیگران را برود، شعر او با شعر دیگران هیچ فرقی نخواهد داشت.

نظر عصمتی را به عنوان شاعری خراسانی درباره شعر این خطه می‌پرسیم. او معتقد است خراسان و مشهد همیشه پرچم‌دار شعر بوده اما به چند دلیل، نابینایان این منطقه توفیق چندانی در شعر نداشته‌اند: البته این مشکلات در همه‌جا هست و فقط شامل این شهر نمی‌شود. منابع مطالعاتی این قشر زیاد نیست و رفت‌وآمدشان برای حضور در جلسات ادبی دشوار است و جز این‌ها. شخصا سعی کرده‌ام از جریانات عقب نمانم و در متن شعر جامعه باشم. در این‌باره، انتشار مجموعه شعر «بی‌چشمداشت» اتفاق خوبی بود که در سال ۹۶ نامزد قلم زرین شد و شاید بتوان گفت در سال‌های اخیر توانسته است شعر نابینایان را نمایندگی کند.

به تفکیک شاعر بینا و نابینا معتقد نیستم

«احساس زیباتر شدن افتاده بر جانم/ با قهوه چشمان تو در قلبِ فنجانم» سراینده این شعر، سمانه مصدق است، شاعری متولد سال ۱۳۶۳ در درگز که از حدود پنج‌سالگی ساکن مشهد شده است. این شاعر جوان از بدو تولد نابیناست اما این ویژگی مانع از بالیدنش در عرصه ادب نشده است. او که تحصیلات خود را تا پایان دوره کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی دنبال کرده است، درباره ورودش به عالم شعر و ادب می‌گوید: در پیش‌دبستانی به شعر و دوران دبستان به انشا علاقه داشتم. از مقطع راهنمایی هم خودم به گفتن شعر روی آوردم اما سرودن به شکل جدی و حرفه‌ای را از اواخر سال ۷۹ پیش گرفتم. به خاطر دارم به علت علاقه زیادم به فوتبال، اولین شعرم درباره این ورزش بود. هنگام بازی‌های تیم ملی بود که متوجه شدم ابیاتی از ذهنم تراوش می‌کند. قافیه‌پردازی را بلد نبودم اما چون از کودکی شعر می‌خواندم و برایم می‌خواندند، با وزن آشنایی داشتم، هرچند بر آن مسلط نبودم. در هر صورت، بعد از آن مسابقه فوتبال، فهمیدم که می‌توانم در این عرصه قدم بگذارم و چیزهایی می‌نوشتم. شعر اولم را برای دوست و آشنا خواندم و آن‌ها نیز با مسیر انتخابی من موافق بودند.

به نظر می‌رسد تصمیم این شاعر و نظر اطرافیانش درست بوده است، زیرا او با موفقیت‌هایی که در این عرصه به دست می‌آورد، توانایی و استعدادش را اثبات می‌کند: دوران دانش‌آموزی ۲ بار برگزیده همایش دانش‌آموزی ادب‌پژوهان جوان شدم. همچنین در دوران دانشجویی در یک همایش کشوری مخصوص نابینایان، جزو ۱۰ نفر برگزیده بخش شعر آن و سال ۹۶ در جشنواره شعر نیاوران جزو ۳ ترانه‌سرای برتر کشور انتخاب شدم. من خیلی اهل جشنواره‌های گوناگون نیستم. رویدادهایی که شرکت کرده‌ام کم بوده است اما خوشبختانه دست‌خالی از آن‌ها برنگشته‌ام.

مصدق نیز مانند عصمتی به نبود تفاوت میان این قشر و دیگر شاعران باور دارد. او می‌گوید: شاعرْ شاعر است. من با این گونه تفکیک‌ها مشکل دارم. به همین علت در هیچ انجمنی فعالیت نمی‌کنم. بهتر است بگوییم باید به طور جمعی کنار هم باشیم. هرکجا ببینم انجمن خوبی وجود دارد وارد می‌شوم، اما اینکه صرفا به یک قشر پرداخته شود، برایم پذیرفتنی نیست.

این شاعر و ترانه‌سرای خراسانی با بیان اینکه شعر گفتن امکانات نمی‌خواهد، اظهار می‌کند: اساسا شعر گفتن جز کتاب، امکاناتی نمی‌خواهد. کتاب هم می‌تواند به خط بریل و به شکل صوتی نیز باشد. اگر کسی بخواهد دنبال شعر برود، آن را پیدا می‌کند. حتی در مورد فیلم، همان‌طور که دیگران فیلم می‌بینند، نابینایان نیز می‌توانند به دیدن فیلم بنشینند.

شاعران از زوایا و دیدگاه‌های گوناگونی به ادبیات می‌نگرند و گاه شاید اختلاف دیدگاه در میانشان زیاد باشد. برای نمونه، مصدق شعر را امری فردی می‌داند و می‌گوید: من نمی‌توانم نگاهی اجتماعی و جهان شمول به شعر داشته باشم، اما خودم از ابتدا سعی کرده‌ام با واقعیت‌ها روبه‌رو شوم. قدرت تصور شخص من زیاد است و تصوراتم را با واقعیت تطبیق می‌دهم. یعنی مثلا به این فکر می‌کنم که رنگ قرمز چه شکلی می‌تواند داشته باشد. قدرت لامسه در ما باید آن‌قدر تقویت شده باشد که رنگ روشن را از تیره تشخیص دهد و اگر تشخیص ندهد ممکن است در شعر به جای خیال، به سمت وهم برویم. جنبه منفی خیال، توهم است. بنابراین تصورات و تقویت حس ششم و تطبیق آن با واقعیت لازم است. به همین علت هم هست که در شعرها و ترانه‌های من صور خیال به‌شدت به چشم می‌خورد.

از او به عنوان شاعری که در فضای ادبی مشهد نفس می‌کشد و می‌سراید، درباره وجوه تمایز این فضا با پایتخت سؤال می‌کنیم. او تفاوت مشهد و تهران را از این نظر چشمگیر ارزیابی می‌کند: بین فضای شعری مشهد و تهران تفاوت از زمین تا آسمان است. یک مسئله این است که بیشتر شاعران ما فکر پایتخت‌نشینی به سرشان می‌زند. تعداد انجمن‌ها در تهران بسیار بیشتر و سطح آن بالاتر است. خراسان و مشهد را منطقه ادب‌خیزی می‌دانیم اما در اینجا شاعران خوبی داریم که متأسفانه در انجمن‌ها شرکت نمی‌کنند و بیشتر در انزوا به کار خود ادامه می‌دهند. این به ضرر شعر این خطه است. موضوع دیگر این است که متأسفانه هنرمندان خراسان هوای یکدیگر را ندارند. همچنین شاعران بسیار مستعد و جوانی در این شهر هستند ولی با توجه به هزینه بالای چاپ کتاب و نبود جشنواره‌ای مناسب دیده نمی‌شوند. این‌ها نقاط ضعف شعر مشهد است و با توجه به آن نمی‌توانیم ادعای ادب‌دوستی و ادب‌پروری داشته باشیم. متأسفانه هرسال هم دریغ از پارسال!

این شاعر جوان در پایان صحبت‌های خود خاطرنشان می‌کند: امیدوارم حال شعر و ترانه ما بهتر شود و یادمان نرود که هنر به این راحتی به دست نمی‌آید. در شهری مثل مشهد که ادعای هنر و هنرپروری دارد، قدر هنر را بیشتر بدانیم.

گزارش

زن رنجور در قاب ادبیات

گزارشی از نشست بررسی روان‌شناسانه رمان «قهوه‌ای که سرد می‌شود»

ندا کیان| «قهوه‌ای که سرد می‌شود» یک موضوع ملموس و اجتماعی دارد: زندگی خانواده‌ای که دستخوش خیانت می‌شود. این رمان روایتگر دغدغه‌های یک زن و تلاش‌ها، امیدها، ترس‌ها و دلواپسی‌هایی است که آدم‌های داستان با آن روبه‌رویند و تصمیماتی که هریک از گرفتنش عاجزند، مسائلی که در عصر حاضر توجه روان‌شناسان و مشاوران و بسیاری از خانواده‌ها را درگیر خود کرده است. این رمان را ملیحه خانی نوشته و نشر دانیال دامون در سال جاری منتشر کرده است. «مداخله در خیانت و علل آن در خانواده» عنوان نشستی در مؤسسه آستان مهر بود که بامداد روز گذشته با رویکردی روان‌شناختی به بررسی این کتاب پرداخت. دکتر آزیتا کشاورز، روان‌شناس و پژوهشگر، سخنران این نشست بود. ارائه‌دهنده بحث با بیان اینکه بی‌وفایی، تقلب عاطفی و خیانت دغدغه‌ای مهم در کشور است که سیستم تعادل خانواده را به هم زده، در معرفی رمان «قهوه‌ای که...» گفت: همه این موارد در این اثر گنجانده شده است. این کتاب از یک درد حکایت دارد، دردی که با داستان زندگی رعنا شروع می‌شود، زنی با هوش و استعداد که توانایی حفظ همسرش را ندارد. در این رمان نداشتن مهارت زندگی، اعتمادبه‌نفس و راهکار برای حل مسائل اجتماعی ۳ عاملی هستند که شخصیت اول داستان را درگیر می‌کنند. نگاه زیبای نویسنده به دیالوگ‌های زیبایی در اثر انجامیده و باعث شده خواننده حس کند در ماجرای یک فیلم قرار گرفته است و می‌تواند آن را باور کند. به گفته کشاورز، این داستان زندگی خیلی از زنان اجتماع ماست که بعد از طلاق آسیب جدی می‌بینند. او در ادامه شرح ویژگی‌های اثر اضافه کرد: جمله‌های نابی در این کتاب آورده شده که در چند فصل هم تکرار می‌شود و به جذابیت آن افزوده است. جلد کتاب نیز زیباست و نشان می‌دهد می‌توان گاه حواس را از آنچه در اطراف می‌گذرد پرت کرد و به دوردست خیره شد. همچنین طرز گفتار داستان، برای همه اقشار خوب و قابل فهم است. این روان‌شناس با اشاره به شخصیت کامران در داستان، اظهار کرد: او آن‌قدرها هم بد نیست، اما زبان مشترکی با همسرش، رعنا، ندارد و این مسئله‌ای اساسی در جامعه است. از سویی، پایان باز داستان باعث شده است هیچ‌یک از شخصیت‌ها قهرمان جلوه داده نشوند و دریافت محتوا به تخیل خواننده واگذار شود تا با دنیای درونی خود بجنگد، درد بکشد و آخر داستان را خودش ترسیم کند. این ویژگی قصد دارد به ما بفهماند که آدم‌هایی مثل رعنا و کامران در جامعه زیاد هستند. کشاورز ادامه داد: تربیت خانوادگی و اصالت همیشه اهمیت دارد. وقتی فرد در خانواده به‌درستی تربیت شود، دغدغه‌های آینده او نیز کاهش می‌یابد. شخصیت کامران از ابتدا دچار مشکلاتی شخصیتی چون ضعیف‌النفس و بی‌اراده بودن است که بر زندگی زناشویی‌اش تأثیر می‌گذارد. در ادامه این نشست، شرکت‌کنندگان مسائل دیگری را درباره کتاب مطرح کردند. منفعل بودن و متحول نشدن شخصیت کامران، نقش نداشتن موبایل و تلویزیون (که در داستان فقط خاموش و روشن می‌شوند) در زندگی زن و شوهر با وجود فراگیری و اهمیت این وسایل و ... از جمله این نکات بودند. حسین کوشامنش، نویسنده، درباره این اثر خاطرنشان کرد: از ۲ بعد ادبیات و روان‌شناسی می‌توان به این اثر نگاه کرد. در بحث ادبی، وظیفه نویسنده این نیست که مفهومی را به جامعه القا کند. نویسنده وظیفه دارد چیزی بنویسد. جامعه وظیفه دارد که آن نوشته را تأویل کند. در بحث روان‌شناسی نیز عنوان کتاب ما را با نویسنده‌ای روبه‌رو می‌کند که چهارچوبمند است. عبارت «قهوه‌ای که سرد می‌شود» در نگاه نویسنده به این باور قدیمی برمی‌گردد که اگر قهوه سرد شود، اتفاق ناگواری می‌افتد. در داستان، زنی حضور دارد که درد می‌کشد و تحمل می‌کند. این امر خواننده را به این نتیجه می‌رساند که نویسنده کتاب زنی سنتی بوده است. به عقیده من، یکی از چیزهایی که می‌تواند جوامع را نجات دهد ادبیات است به شرط اینکه کسی که در این حوزه کار می‌کند به آن احاطه داشته باشد. ملیحه خانی، نویسنده اثر، هم گفت: از زمان نوشتن این رمان، دوستانی پیشنهاد می‌دادند که شخصیت رعنا را عوض کنم و به قهرمان قصه تبدیل شود یا اینکه زندگی مشترکش را رها کند و برود، اما با توجه به تجربه شخصی، خواستم درگیری او در زندگی را نشان دهم و قصد نداشتم از او قهرمان بسازم.

یادداشت

مجلس دوم؛ آغاز جناح‌بندی‌های سیاسی

قسمت دهم

دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در فروردین‌ماه ۱۳۶۳ در شرایطی متفاوت با دوره نخست و در حالی برگزار شد که کشور در حالت جنگ و در وضعیت تحریم شدید سیاسی، نظامی و اقتصادی به سر می‌برد. با کناره‌گیری تدریجی نیروهای ملی‌مذهبی و نیز چپ‌ها از ساختار سیاسی نظام، انتخابات این دوره از مجلس، صحنه رقابت نیروهای موسوم به خط امام یا مکتبی بود. بنابراین، برخی با خوش‌بینی تصور می‌کردند که یک‌دست بودن داوطلبان نمایندگی مجلس، فضای سیاسی کشور را از هرگونه چالش مصون می‌دارد، اما شرایط به گونه‌ای دیگر رقم خورد. در این دوره علاوه بر حزب جمهوری اسلامی و هم‌پیمانانش در جامعه روحانیت مبارز و حزب مؤتلفه اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت نیز حضور داشتند. مدتی پیش از آغاز انتخابات، بذر اختلاف نظر و چالش در میان نیروهای انقلابی پاشیده شده بود. بدیهی بود انتخابات نمی‌توانست بدون هیچ گونه چالشی برگزار شود.

رهبری متوجه جو حاکم بر انتخابات و شکل‌گیری منازعات جدید شدند، بنابراین به روش‌های مختلف تلاش نمودند دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی، حق انتخاب را از مردم سلب ننماید. از آنجا که ایشان اهمیت و ارزش ویژه‌ای برای جنبه مردم‌سالارانه نظام جمهوری اسلامی قائل بودند، در شرایط و موقعیت‌های مختلف، کاندیداهای مجلس را از درگیری‌های جناحی و گروهی برحذر می‌داشتند. در این انتخابات ۱۵۸۶ نفر آمادگی خود را برای کاندیداتوری اعلام کردند که صلاحیت ۱۲۷۵ نفر از داوطلبان از سوی هیئت‌های اجرایی و شورای نگهبان تأیید شد. انتخابات در فضایی آرام و غیرمتشنج در ۲ مرحله انجام شد. در مرحله نخست ۱۲۱ نماینده و در دور دوم ۱۳۰ نفر به مجلس راه یافتند. حدود ۶۵ درصد واجدین حق رأی در این انتخابات شرکت کردند که با توجه به فضای جنگی آن زمان درصد درخور توجهی است و نشان از میزان بالای مشروعیت نظام در آن زمان دارد. در برخی از حوزه‌های انتخابیه به دلیل شرایط جنگی انتخابات برگزار نشد. در این میان، چندین مورد تخلف در انتخابات گزارش شد

علی‌اصغر داوودی
عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مشهد

که به ابطال نتایج ۲۷ حوزه انتخاباتی از جانب شورای نگهبان منجر گردید. ابطال برخی از حوزه‌های انتخاباتی تنش‌هایی ایجاد نمود و هر یک از ۲ جناح چپ و راست یکدیگر را به تقلب در انتخابات متهم نمودند و اعلامیه‌ها و خطابه‌هایی در مطبوعات و محافل علیه شورای نگهبان منتشر کردند. حتی عده‌ای از نمایندگان علیه شورای نگهبان نامه‌ای به رهبری نوشتند و این شورا را به عدم بی‌طرفی در امر نظارت بر انتخابات متهم کردند، اما ایشان در پیامی جایگاه رفیع شورای نگهبان و خطر تضعیف آن را گوشزد نمودند و احترام به این نهاد را بر همگان لازم دانستند. نتیجه انتخابات حاکی از موفقیت نسبی هر ۲ جناح به یک اندازه بود؛ اما با توجه به نتایج کلی آرای کشور، به نظر می‌رسید که جناح چپ به موفقیت بیشتری دست یافته است. اهمیت این دوره از انتخابات از این جهت بود که اولا شورای نگهبان به‌طور جدی به امر نظارت بر انتخابات ورود پیدا کرد و دوم اینکه شاهد آغاز رویارویی ۲ جناح موسوم به چپ و راست در درون نیروهای انقلاب هستیم.

از این زمان به بعد است که اختلافات جناحی در عرصه سیاست ایران خودنمایی کرد؛ هرچند نتیجه انتخابات نشان داد که مردم بدون توجه به جناح‌بندی‌های سیاسی به چهره‌های مشهور رأی داده بودند و این گویای آن است که در این زمان جریان‌های موجود در کشور هنوز برای عموم شناخته‌شده نبود. از جمله مسائل این دوره می‌توان به رأی اعتماد به نخست‌وزیری مهندس موسوی اشاره کرد که به قضیه «۹۹ نفر» منجر شد. مسئله دیگر، تعطیلی فعالیت حزب جمهوری اسلامی بود و نیز اختلاف در «جامعه روحانیت مبارز» که باعث انشعاب «مجمع روحانیون مبارز» از درون آن گردید. از دیگر رویدادهای این دوره، تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» است که در نتیجه اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان به‌وجود آمد. در عین حال، مسئله اصلی کشور در مجلس دوم جنگ و اداره آن بود.

حمایت‌های گفتاری و عملی نمایندگان در لزوم دفاع از کشور، حضور در مناطق جنگ‌زده و تشویق مردم به مقاومت بیشتر و وضع قوانین جنگی و نظامی، وقت زیادی از مجلس دوم را به خود اختصاص داد.

زندگی با موسیقی

طنین «پالت» در «نت‌های فردا»

نشست تخصصی موسیقی با اجرای گروه «پالت» در دانشگاه فردوسی برگزار شد

عکس: کیمیا بیوتقی

شکیبا افخمی‌راد| یکشنبه ۲۷ بهمن تالار رودکی دانشگاه فردوسی مشهد میزبان نشستی با نام «نت‌های فردا» بود؛ نشستی که کانون موسیقی و کانون شعر و ادب دانشگاه فردوسی برای بررسی مباحث مرتبط با تغییرات ذائقه موسیقایی در جامعه برگزار کردند و مجید فولادیان، عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی، و مهدی سالاری‌نسب، مدرس و استاد آواز، سخنران آن بودند. نشست «نت‌های فردا» با اجرای موسیقی زنده نیز همراه بود و گروه موسیقی پالت با تمام اعضایش در این برنامه حاضر شد و ۱۴ قطعه برای حاضران نواخت.

ماندگاری موسیقی در طول زمان

بخش اول نشست به صحبت‌های مجید فولادیان، جامعه‌شناس، اختصاص داشت. او با اشاره به آنکه هر پدیده‌ای را امری اجتماعی می‌بیند، موسیقی را نیز یک موضوع اجتماعی معرفی کرد. به نظر فولادیان همان‌طور که موسیقی بر جامعه تاثیر می‌گذارد، جامعه نیز موسیقی خودش را تولید می‌کند.

این جامعه‌شناس درباره اهمیت جایگاه موسیقی توضیح داد: با گذر زمان و وقتی که گردوغبار روزگار می‌خوابد، آنچه می‌ماند صداست، موسیقی است. اگر نگاهی به ۴۱ سال گذشته تاریخ معاصر خودمان بیندازیم، می‌بینیم که آنچه از سال ۵۷ باقی مانده است، قطعه «سپیده» محمدرضا شجریان و محمدرضا لطفی است یا از سال ۶۱ «ممد نبودی ببینی» غلامرضا کویتی‌پور است. همان‌طور که جلوتر می‌آییم، می‌بینیم آنچه ما را به یاد سال‌های گذشته می‌اندازد، همین موسیقی است و به کمک آن است که می‌توانیم بفهمیم در آن دوران چه بر ما گذشته است.

فولادیان در ادامه، هنر موسیقی را به مثلثی تشبیه کرد که از سه ضلع مخاطب، تولیدکننده و واسطه تشکیل شده است.

او با تاکید بر اینکه آنچه باعث ایجاد موسیقی فاخر می‌شود مخاطب است، درباره وضعیت موسیقی‌های تولیدی در جامعه امروز ایران گفت: ما با جامعه‌ای طرف هستیم که ۲میلیون نفرشان طرفدار امیر تتلو هستند؛ جامعه‌ای که در آن بلیت‌های کنسرت فردی که کمترین دانشی از موسیقی دارد در یک شب به فروش می‌رود. از آن‌طرف ویدئوهایی در فضای مجازی می‌بینیم که فردی کنار خیابان نشسته است و قطعه خزان پرویز مشکاتیان را با مهارت تمام می‌نوازد، درحالی‌که مردم بدون توجه و نگاه از کنار او عبور می‌کنند. خود همین اتفاقات نشان می‌دهد که چه دارد بر سر این جامعه می‌آید.

به نظر فولادیان وقتی صداوسیما آدم‌های درجه ۳ و ۴ موسیقی را در برنامه‌هایش دعوت می‌کند یا وقتی در شهری مثل مشهد امکان برگزاری کنسرت فراهم نیست، نمی‌توان انتظار داشت که مردم گوش‌شان به موسیقی فاخر عادت کند و به آن علاقه داشته باشند.

با این حال این جامعه‌شناس، مشهد را یک متر و معیار در تعیین میزان علاقه مردم به موسیقی فاخر معرفی کرد: «در مشهد برای اجرای موسیقی‌ای به مفهوم کنسرت، بلیت‌فروشی صورت نمی‌گیرد، از این‌رو افراد و گروه‌هایی برای اجرای برنامه به این شهر می‌آیند که می‌دانند مخاطبشان چه کسی است و موسیقی خوب چیست؛ افرادی چون حسین علیزاده، کیهان کلهر و علیرضا قربانی که به مشهد آمدند و اینجا برنامه اجرا کردند، پس اگر گروه «پالت» نیز امشب اینجا حضور دارد، به این دلیل است که موسیقی‌اش فاخر است و شنوندگان خوبی دارد.»

تحول موسیقی جهان در دوران معاصر

مهدی سالاری‌نسب، استاد موسیقی و آواز، دیگر سخنران مراسم «نت‌های فردا» بود. او صحبت‌هایش را با یادی از گذشتگان آغاز کرد: «اگر روزگاری در این سرزمین، کسی می‌خواست کتاب شعری منتشر کند یا در مجله‌ای یک مقاله درباره ادبیات و شعر بنویسد، باید نظر هیئت داورانی چون مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو را جلب می‌کرد، از این‌روست که بخش مهمی از فاخرترین آثار ادبی معاصر ما در آن زمان خلق شده است یا در یک بازه زمانی، هوشنگ ابتهاج، رئیس بخش موسیقی رادیو و تلویزیون بود؛ فردی که درکنار بزرگان دیگر آن زمان تاثیر اجتناب‌ناپذیری بر موسیقی گذاشت.»

به نظر او این روزها یک تحول جهانی در حوزه موسیقی درحال رخ دادن است؛ تغییراتی که مختص ایران نیست. درواقع موسیقی نیز همچون سایر پدیده‌ها این روزها دچار تغییر و تحول در سطح جهانی شده است.

سالاری‌نسب یکی از دلایل مهم این تغییرات را پررنگ شدن مفاهیم مبتنی بر سرمایه‌داری دانست و گفت: موضوعات سرمایه‌داری بر تمام جنبه‌های زندگی ما اثر گذاشته است. در چنین وضعیتی هر موضوعی باید توجه اقتصادی داشته باشد؛ یعنی اقتصاد تعیین‌کننده اتفاقاتی است که در جامعه رخ می‌دهد؛ موضوعی که گریبان هنر و موسیقی را نیز گرفته است.

به گفته او، موسیقی برای این نوع از سرمایه‌داری باید به لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر باشد، از این‌رو بسیاری از آثار تولیدشده به‌جای آنکه دارای شرایط فنی و هنری باشند، شرایطی دارند که فقط به ذائقه توده‌های مردم خوش می‌آید.

سالاری‌نسب با نقل صحبتی از پرویز مشکاتیان ادامه داد: به قول استاد مشکاتیان آنچه مورد پسند توده میلیونی مردم است، نه‌تنها پذیرفتنی نیست، بلکه مشکوک است. هنر می‌کوشد خلق کند آنچه یگانه و تک است اما آنچه ما اخیرا در موسیقی می‌شنویم، به‌نوعی انبوه‌سازی است. درواقع موسیقی‌ای که باید جریان‌ساز باشد، این روزها بیشتر جریان‌پذیر است و عملا اغلب هنرمندان ما از جامعه سفارش می‌گیرند، درحالی‌که هنرمند خودش باید در جامعه، مسیر و جریان و تحول ایجاد کند.

به گفته او، بیشتر آثار موسیقی در حوزه پاپ در این روزگار با هدف رقابت برای جلب مخاطب بیشتر تولید می‌شود؛ یعنی پشتش آن تفکر و بینش هنری که با ذات هنر مرتبط باشد، وجود ندارد.

این موسیقی‌دان ابراز امیدواری کرد محافل موسیقایی بیشتر شود تا بتوان درباره این مسائل گفت‌وگو و تبادل‌نظر کرد. به نظر سالاری‌نسب، دانشجویان قشری هستند که می‌توانند بسیار بر اطرافشان تاثیرگذار باشند، از این‌رو گفت‌وگو میان اهالی موسیقی و این قشر می‌تواند باعث پیدایش راهکارهایی شود که هنر و موسیقی را نجات دهد.

طنین نوای موسیقی «پالت» در دانشگاه فردوسی

اما قسمت اصلی نشست یکشنبه‌شب «نت‌های فردا» به اجرای گروه «پالت» با خوانندگی امید نعمتی اختصاص داشت؛ برنامه‌ای که جزو معدود اجراهای موسیقی غیرسنتی در دانشگاه فردوسی مشهد بود، از این‌رو می‌توان این اتفاق را رویدادی کم‌سابقه در مشهد دانست.

گروه پالت برخلاف عرف برنامه‌های این‌چنینی که معمولا تمام اعضای گروه در اجرا حاضر نمی‌شوند یا به نواختن چند قطعه اکتفا می‌کنند، در اجرایشان در مشهد با تمام نوازنده‌هایشان در تالار رودکی حاضر شدند و حدود ۱۴ آهنگ از ترانه‌های قدیمی و جدیدشان را اجرا کردند و برای این برنامه که بیشتر، دانشجویان مخاطبانش بودند، سنگ تمام گذاشتند.

ترانه‌های اجراشده در این شب عموما همراهی حاضران در سالن را به‌دنبال داشت که در این میان، قطعات «خانه‌بردوش»، «تمام ناتمام»، «نرو بمان» و «هزارتا قصه» با استقبال تماشاگران همراه شد. همچنین این گروه که بعد از جدا شدن دو عضو اصلی‌شان حال با اعضای جدید به اجرای برنامه می‌پردازند و درگیرودار انتشار آلبوم تازه‌شان هستند، یکی از قطعات آلبوم جدیدشان به نام «نصف‌النهار مبدأ» را نیز در تالار رودکی مشهد نواختند؛ قطعه‌ای که هنوز نسخه‌ای از آن منتشر نشده است اما با اقبال تماشاگران همراه شد؛ البته این ترانه به‌دلیل آنکه نعمتی شعر آن را از یاد برد، دوبار اجرا شد. امید نعمتی در صحبت‌های کوتاهی ضمن ابراز خوشحالی از حضور در مشهد، خراسان را مهد موسیقی نامید و از بزرگان موسیقی این خطه یاد کرد.

تماشاخانه

«کارناوال خون»؛ روی صحنه نمایش

یک گروه جوان، نمایشی را با مضامین تربیتی روی صحنه تئاتر شهر برده‌اند

سبزه‌قبا| «کارناوال خون» اثری نمایشی است که از ۱۶ بهمن در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه رفته است و تا دوم اسفند به اجرای خود ادامه خواهد داد. دست‌اندرکاران «کارناوال خون» در نشست خبری این نمایش که دیروز برگزار شد، از مردم دعوت کردند به تماشای تئاتر «کارناوال خون» بنشینند.

این نمایش صدوبیست‌دقیقه‌ای را گروه تئاتر لال آماده کرده است اجرای حرکاتی مبتنی بر فرم در این اثر نمایشی، مهم‌ترین راه ارتباطی با مخاطب است.

«کارناوال خون» که متنش را مهدی شمس نوشته است، زندگی پادشاه ظالم و جاه‌طلبی را روایت می‌کند که یکی از دو دختر او تصمیم می‌گیرد علیه ظلم پدر، شورش کند.

این نمایش هرشب ساعت ۱۸:۳۰ در مجتمع امام‌رضا(ع) واقع در پارک ملت، روی صحنه می‌رود و تماشای آن برای افراد زیر ۱۴ سال و بیماران قلبی ممنوع شده است.

مهدی شمس، امید وحدت‌پور، علیرضا ضیاچمنی، الهام زارع، الهه پژوهی، اشرف یزدان‌بخش، میترا بابایی، امیراحسان امیرپور و... در این نمایش، نقش می‌آفرینند.

با هم دوست باشیم

به گفته شمس، کارگردان «کارناوال خون»، این نمایش به موضوع تربیت فرزندان می‌پردازد و مخاطب را بعد از تماشا به این فکر فرومی‌برد که کجا برای تربیت فرزندش کم‌کاری کرده است: «نمایش ما، شخصیت‌هایی را تصویر می‌کند که غیر از خودشان به شخص دیگری فکر نمی‌کنند و برنامه‌ای برای تربیت فرزند یا فرزندانشان ندارند.»

او گفت که بیشتر همکارانش در این نمایش برای نخستین‌بار است که پا روی صحنه نمایش گذاشته‌اند و «کارناوال خون» این فرصت را فراهم کرده است تا طیف گسترده‌ای از جوانان علاقه‌مند به تئاتر وارد این هنر شوند. کارگردان نمایش یادشده بعد از اینکه از مردم خواست از نمایشش حمایت کنند و به تماشای نمایش‌های دیگر هم بنشینند، از اهالی تئاتر نیز خواست که هوای یکدیگر را داشته باشند: «درحالی‌که فقط در فضای مجازی تبلیغات کرده بودیم، متاسفانه برخی از همکارانمان ضدتبلیغ کردند. آن‌ها اعتراض می‌کردند که چرا یک گروه جوان، نمایششان را در سالن اصلی تئاتر مشهد اجرا می‌کنند و چرا این سالن را به پیش‌کسوت‌ها نداده‌اند.»

به سرمایه‌گذار فرهنگی، نگاه یک‌بارمصرف نداشته باشیم

«کارناوال خون» که با سرمایه‌گذاری امیر نجفی به روی صحنه می‌رود، نزدیک به ۹۰ بازیگر و عامل اجرایی دارد و از این نظر، یکی از نمایش‌های پربازیگر در مشهد، به‌شمار می‌رود که بعد از یک سال‌ونیم تمرین به روی صحنه رفته است.

نجفی با مبلغی نزدیک به ۲۰۰ میلیون تومان برای اجرایی شدن ایده‌های مهدی شمس، هزینه کرده است. او که اولین سرمایه‌گذاری‌اش را در حوزه فرهنگ و هنر با همین نمایش آغاز کرده است، خرسند است که بخش بزرگی از مخاطبان «کارناوال خون» افرادی هستند که تا پیش از تماشای آن، ارتباطی با تئاتر نداشته‌اند: «در میان تماشاگرانِ نمایش، افرادی را دیدم که ابراز می‌کردند برای اولین‌بار است به تماشای تئاتر نشسته‌اند. آن‌ها می‌گفتند باورشان نمی‌شود تئاتر تا این اندازه تاثیرگذار باشد و تصمیم گرفته بودند برای تماشای تئاتر به تماشاخانه‌ها بروند.»

سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر می‌تواند ازطرفی سودآور و ازطرف دیگر زیان‌آور باشد، اما مشورت با افراد باتجربه می‌تواند درصد خطر آن را کاهش دهد، همان‌طور که نجفی در این‌باره توقع داشته است افراد مجرب به او مشورت‌های درست و دقیقی بدهند: «کم‌لطفی‌هایی را ازطرف تعدادی از پیش‌کسوتان تئاتر مشهد شاهد بودم، درحالی‌که می‌شد آن‌ها با مشورت‌های درست باعث تشویق سرمایه‌گذارها برای سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر شوند. پیش‌کسوتان اگر به سرمایه‌گذار مشورت درست بدهند و او را در مدیریت سرمایه‌گذاری در این حوزه راهنمایی کنند، باعث می‌شود افراد بیشتری به این مهم روی بیاورند.» او می‌گوید: نگاه یک‌بارمصرف به سرمایه‌گذاری در تئاتر، غلط است و هنرمندان و پیش‌کسوتان تئاتر باید به‌گونه‌ای با سرمایه‌گذاران رفتار کنند که آن‌ها بازهم به مشارکت در این حوزه ترغیب شوند.

گاه‌نما

بازیگر خاطره‌ها ۷۰ ساله شد

نگاهی به فعالیت‌های محمد شیری، بازیگر مشهدی تئاتر، سینما و تلویزیون

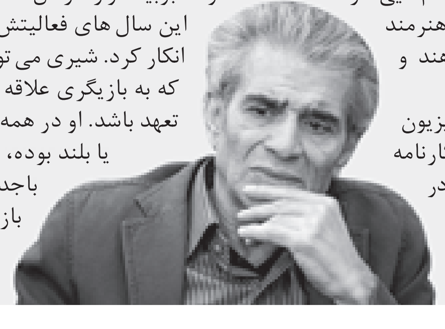

زوزنی| محمد شیری از آن دسته بازیگرانی است که خاطرات زیادی برای بینندگان سینما و به ویژه تلویزیون ساخته است. شیری که آخرین روز بهمن در مشهد متولد شده، در نقش های بی شماری حضور یافته است. مهم ترین همکاری این بازیگر که اغلب کارهای طنز و کمدی را در کارنامه خود دارد، با مهران مدیری بوده است. بازی او در نقش سالارخان در سریال تلویزیونی «شب های برره»، خاطره‌انگیزترین حضورش در تلویزیون در سال های پیشین بوده است. سریال «جایزه بزرگ» و «گنج مظفر» از دیگر مجموعه هایی است که او با مهران مدیری همکاری کرده است. شیری در «ساختمان پزشکان» به کارگردانی سروش صحت نیز جلوی دوربین رفت، با این حال شیری در آستانه هفتادویک سالگی از اوضاع سینما و تلویزیون چندان راضی نیست و بر این باور است که بی اخلاقی ها باعث شده او کمتر کار کند. این هنرمند مشهدی چندی پیش در پاسخ به سوالی درباره کم کار بودنش، به خبرگزاری تسنیم گفته بود هر کاری را قبول نمی کند و نمی تواند با آدم هایی کار کند که هیچ تعهدی دربرابر هنرمند ندارند یا پول او را نمی دهند و بی تعهدانه رفتار می کنند.

بازیگری در ده ها نقش در تلویزیون و تئاتر و همچنین سینما، کارنامه پرباری را برای این هنرمند که در خردسالی به تهران مهاجرت کرده، رقم زده است. با اینکه کارنامه او از سیمرغ و جوایز ریزودرشت هنری خالی است، مردم و مخاطبان همواره تحسینش کرده اند. همچنین محمد شیری نقش های اصلی و خیره کننده را در فیلم های سینمایی و تلویزیون برعهده نداشته است، ولی نمی توان جایگاه و محبوبیت او را در دل مخاطبانش به خاطر همه این سال های فعالیتش در عرصه بازیگری، انکار کرد. شیری می تواند برای نسل جوانی که به بازیگری علاقه دارد، مظهر تلاش و تعهد باشد. او در همه نقش هایی که کوتاه یا بلند بوده، متعهدانه، صادقانه و باجدیت حضور یافته و با بازی منحصربه فردش به مخاطب احترام گذاشته است.

حضور هیچ بازیگری در «قهرمان»، قطعی نیست

فیلم‌برداری تازه‌ترین اثر سینمایی اصغر فرهادی در شیراز

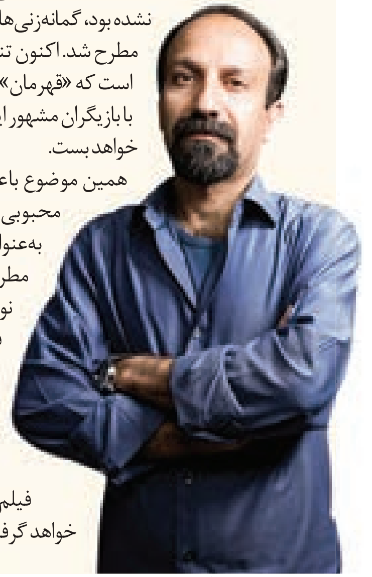

بزازان| «قهرمان» نام تازه‌ترین اثر سینمایی اصغر فرهادی، کارگردان پرآوازه ایرانی است. خبر ساخت این پروژه سینمایی پس از پایان جشنواره فیلم فجر در راس اخبار سینمایی کشور قرار گرفت و ازآنجایی که جزئیات زیادی درباره «قهرمان» مطرح نشده بود، گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره این فیلم در فضای مجازی مطرح شد. اکنون تنها اطلاعاتی که درباره فیلم وجود دارد، این است که «قهرمان» درامی پرتعلیق است و فرهادی در این فیلم با بازیگران مشهور ایرانی که قبلا با آن‌ها کار نکرده است، قرارداد خواهد بست.

همین موضوع باعث شد نام برخی از بازیگران سرشناس و محبوبی که تاکنون با فرهادی همکاری نکرده‌اند، به‌عنوان بازیگر اصلی «قهرمان» در فضای مجازی مطرح شود اما روز گذشته ایلنا با انتشار خبری نوشت: «حضور هیچ بازیگری تاکنون در فیلم جدید فرهادی قطعی نشده است.»

«قهرمان» با همکاری الکساندر ماله‌گی و کمپانی ممنتو فیلمز، در ماه‌های آینده در شیراز ساخته خواهد شد و نسخه انگلیسی فیلم‌نامه آن در حاشیه جشنواره فیلم برلین، دراختیار سرمایه‌گذاران آن قرار خواهد گرفت.

صاحب‌خبر

حضور پررنگ هنرمندان خراسان رضوی

دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر بدون مراسم افتتاحیه آغاز به کار کرد

دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر از امروز ۲۹ بهمن با ۹۰۰ اثر برگزیده ازمیان آثار ۳ هزار و ۳۲ هنرمند شرکت‌کننده که بیش از ۵۰ درصد آنان زن هستند، در فرهنگستان هنر، مؤسسه صبا افتتاح می‌شود. همچنین امسال هنرمندان خراسان رضوی پس از تهران و اصفهان، بیشترین اثر را برای جشنواره هنرهای تجسمی فرستاده‌اند که همین موضوع، شانس کسب طوبای زرین را برای هم‌استانی‌هایمان بیشتر می‌کند. این رویداد تا ۵ اسفند ادامه دارد و طوبای زرین را در رشته‌های نقاشی، عکس، پوستر، تصویرسازی، نگارگری، خوش‌نویسی، کارتون و کاریکاتور، مجسمه‌سازی، سرامیک و هنرهای جدید برای هنرمندان برگزیده به ارمغان خواهد آورد.

دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر همچون جشنواره فیلم فجر بدون مراسم افتتاحیه آغاز به کار می‌کند. بنا به اعلام شورای سیاست‌گذاری جشنواره، هزینه برگزاری مراسم افتتاحیه صرف کمک به سیل‌زدگان سیستان‌وبلوچستان شده است و همچنین ۱۰۰ منبع آب شرب از محل بودجه جشنواره، تهیه و با چند دستگاه کامیون به‌سمت روستاهای سیل‌زده سیستان‌وبلوچستان فرستاده شده است. امسال برای اولین‌بار در بخش طوبای زرین به همه هنرمندانی که آثارشان به جشنواره راه یافته، این حق داده شده است که درصورت تمایل، مبلغی را برای اثر خود درنظر بگیرند و آن را در معرض فروش بگذارند. این مبلغ را خود هنرمندان تعیین می‌کنند که درصورت تایید شورای هنری، اثر به آن قیمت عرضه می‌شود. محمود آزادنیا، امیر عنایتی، فاطمه آزادی، لیلا نیرومند، عاطفه شیرمودب و سمانه دوستی‌نیا جزو هنرمندانی هستند که به‌عنوان نماینده‌های مشهد و خراسان در این ماراتن هنری با سایر هنرمندان رقابت می‌کنند.

نگارستان

«جعبه آینه» در نگارخانه فردوسی

نمایشگاه گروهی عکس با عنوان «جعبه آینه» در نگارخانه فردوسی برپاست. این نمایشگاه که آثار هنرجویان دوره عکاسی فرهنگسرای جهاد دانشگاهی مشهد را به‌نمایش گذاشته‌است، تا ۳۰ بهمن پذیرای بازدیدکنندگان است. علاقه‌مندان می‌توانند صبح از ساعت ۱۰ تا ۱۲ و عصر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ به محل این نگارخانه واقع در سه‌راه ادبیات مجتمع دکتر شریعتی مراجعه کنند.

عکس: مرضیه میرزاد | شهرآرا